تحقیقات علمی جهان در
مدیریت ،حسابداری ،حقوق و علوم اجتماعی

کد اختصاصی isc
۹۶۱۷-۸۲۸۰۵

Certification No: 3981168

# Certificate of Acceptance

## World Scientific Researches on Management, Accounting, Law and Social Sciences

THIS IS TO CERTIFY THAT OUR EDITORIAL ADVISORY, AND REVIEW BOARD ACCEPTED THE RESEARCH PAPER OF

**Mohammad Hadi Ghaboli Dorafshan , Mahbubeh Ahmadi**

ENTITLED

**hesitation on criterion s of distinction of hardship**

**IN THE CONFERENCE**

This conference was held as a joint venture between University of Applied Sciences and Technology of Azin Shoushtar and Islamic Azad University of Zarghan on 23 Nov 2017

**Conference Chairman**
**Prof. John Gammack**

John Gam

شماره گواهینامه: 3981168

بدین وسیله گواهی میشود مقاله با عنوان

درنگی بر معیارهای تشخیص عسر و حرج

توسط نویسنده/نویسندگان

محمدهادی قبولی درافشان و محبوبه احمدی

که به این کنفرانس ارسال گردیده بود بعد از ارزیابی توسط داوران محترم کمیته علمی کنفرانس حائز شرایط لازم جهت پذیرش در سطح سخنرانی در دومین کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت ، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی و درج در مجموعه مقالات کنفرانس و یکی از پایگاه های علمی معتبر ذکر شده در وبسایت کنفرانس می باشد.

شایان ذکر است که این کنفرانس توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان و دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر در مورخ 2 آذر ماه 1396 برگزار گردید.

دبیر علمی کنفرانس

ریاست دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر

دکتر علی کرمپور

CIVILICA

SID

Venue: Conferences Center of Shiraz University International Division, Shiraz, Iran 23 Nov 2017

# درنگی بر معیارهای تشخیص عسر و حرج

**دکتر سید محمدهادی قبولی درافشان**. عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد

h.ghaboli@um.ac.ir

**محبوبه احمدی**. دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

mahbubeh.ahmadi14@yahoo.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در فقه و حقوق، شناسایی و ارائه معیاری دقیق برای تشخیص عسر و حرج است. برخی از اندیشمندان، تحقق عسر و حرج را بر اساس معیار شخصی مورد ارزیابی قرار داده و بعضی دیگر وقوع آن را به تشخیص عرف واگذار کرده و معیار نوعی را ارائه کرده‌اند. به نظر می‌رسد که دو دیدگاه یادشده در تعارض باهم نیستند؛ اگرچه عرف برای تشخیص عسر و حرج و سایر موضوعات، اغلب یک انسان متعارف را معیار قرار می‌دهد اما در موارد خاص و با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع‌واحوال یک شخص معین، به معیار شخصی نیز روی می‌آورد. در جستار حاضر، نویسندگان تلاش کرده‌اند که با جمع میان نظرات موجود، معیاری دوگانه را برای تشخیص عسر و حرج ارائه کنند که بر اساس آن، صدق عرفی یا احراز تحقق عسر و حرج در مورد یک شخص معین برای تحقق آن کافی است. پرواضح است که عرف هرزمانی بازمان دیگر تفاوت دارد و درنتیجه گذشت زمان، مصادیق جدیدی از عسر و حرج پدید خواهد آمد. بر این اساس و با توجه به اینکه تشخیص عسر و حرج در مسائلی مانند طلاق، سقط درمانی و مباحث مشابه از حساسیت بیشتری برخوردار است، تشکیل گروه‌هایی از متخصصان و کارشناسان خبره فقه، حقوق، پزشکی و مانند آن در هر مورد و وضع قوانین دقیق توسط قانون‌گذار ضروری است.

کلیدواژه: عسر و حرج، معیار شخصی، معیار نوعی، عرف

**۱. مقدمه**

قواعد فقهی و حقوقی برای اجرای عدالت وضع‌شده‌اند ولی باید توجه داشت که عدالت مفهومی است که برای تحقق آن باید معیارها و ملاک‌های روشن، دقیق و معینی تعریف شود تا با تمسک به آن‌ها حکم موضوع استنباط و اجرا گردد. عسر و حرج از یکی از قواعد فقهی و حقوقی است که همواره در تبیین مصادیق آن بین فقیهان و حقوقدانان اختلاف‌نظر وجود داشته است. قانون‌گذار اسلام برای اجرای دقیق عدالت و تعدیل احکام اولیه و رعایت انصاف، احکام ثانویه را وضع کرده است. به‌عنوان‌مثال اگر حکمی از احکام تکلیفی یا وضعی مستلزم ضرر باشد، با اجرای قاعده لا ضرر(آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، اصفهانی، ۱۴۱۰،عراقی، ۱۴۱۸ و۱۴۲۰، خوانساری، ۱۳۷۳، انصاری، بی‌تا، جزائری، ۱۴۱۵، مشکینی اردبیلی، ۱۴۱۳، فیروزآبادی، ۱۴۰۰، خمینی، بی‌تا، محقق داماد، ۱۴۰۶، نراقی، ۱۴۱۷، آشتیانی، ۱۴۰۳، سیستانی، ۱۴۱۴.) ، ضرر نفی خواهد شد. قاعده نفی عسر و حرج نیز حکم ثانوی عامی(گرجی،۱۳۸۴) است که اجرای آن حکم زیان‌بار را برمی‌دارد تا از ضرر ناروا و ناعادلانه جلوگیری نماید. بر همین اساس تبیین مفهوم عسر و حرج و معیار تشخیص آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه عسر و حرج، حقیقت شرعیه[1] ندارد و مفهومی عرفی است لذا باید برای تبیین مفهوم و معیار تشخیص آن به عرف مراجعه کرد. بدیهی است که در چنین وضعیتی توجه به زمان و مقتضیات هرزمانی در تعیین مفهوم و مصادیق عسر و حرج ضروری است. در این میان لازم است در هر مورد تحقق عسر و حرج را با توجه به تخصص کارشناسان هر رشته موردبررسی قرارداد؛ بنابراین، تعیین عسر و حرج با تکیه‌بر کلیات و قالب های کلی بدون در نظر گرفتن مفاهیم، معیارها و مصادیق عرفی، قانونی، پزشکی و مانند آن پذیرفته نیست.

در جستار حاضر برای تبیین دقیق موضوع، ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی عسر و حرج (شماره ۲)، مدارک قاعده (شماره ۳) و مفاد قاعده (شماره ۴) به اختصار بررسی می شود و سپس معیارهای تشخیص عسر و حرج (شماره ۵)، عسر و حرج و سقط درمانی (شماره ۶) و نتیجه (شماره ۷) بیان می گردد.

---

[1]. اگر الفاظ عبادات و معاملات و ... توسط شارع در معنای شرعی خود استعمال شده باشند، در این صورت دارای حقیقت شرعیه می شوند و در نتیجه باید به همان معنا و مفهوم مورد نظر شارع ملتزم بود و نمی توان معنای الفاظ را تغییر داد. بیشتر علمای اصول معتقدند که بعضی از الفاظ از معانی لغوی خود به معانی شرعی انتقال داده شده اند اما مسئله مورد اختلاف این است که آیا انتقال یاد شده در زمان خود شارع به صورت وضع تعیینی صورت گرفته تا در نتیجه حقیقت شرعیه داشته باشد یا اینکه در زمان متشرعه انجام شده تا دارای حقیقت متشرعه باشد. برای مطالعه بیشتر ر. ک. مظفر، ۱۳۷۰،۳۲. سبحانی،۱۴۳۷؛۶۴-۶۷.

## ۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی عسر و حرج

### ۱,۲. مفهوم لغوی عسر و حرج

عسر و حرج از دو واژه‌ی «عسر» و «حرج» ترکیب‌شده است. عسر مصدر و متضاد «یسر» است و به معنای دشوار شدن، دشواری، تنگی، سختی و تنگدستی می‌باشد. اسم مصدر عسر، عسرت به همان معنای تنگی، سختی و دشواری است. حرج، اسم و به معنای تنگی و فشار و جای تنگ، مکان تنگ و نیز به معنای گناه و بزه نیز به‌کاررفته است. زمانی که گفته می‌شود: حرجی بر او نیست یعنی گناه و اعتراضی بر او نیست(عمید،۱۳۷۴فیروزآبادی،۱۳۵۷). در قرآن کریم نیز واژه حرج به معنای ضیق، تنگی، سختی و گناه و کلمه عسر به معنای دشواری و سختی به‌کاررفته است.[۲]

### ۲. ۲. مفهوم اصطلاحی عسر و حرج

مفهوم اصطلاحی عسر و حرج به مفهوم لغوی آن نزدیک است. بنابراین عسر و حرج از نظر اصطلاحی به معنای مشقت شدید و سخت و غیرقابل‌تحمل اس. برخی از اندیشمندان فقه(نراقی،۱۴۱۷) درجات تکالیف را ازنظر میزان عسر و حرج به ۴ دسته تقسیم کرده اند: اول: مرحله یسر: یعنی سهولت ، طاقت و توانایی، آسانی. دوم: مرحله عس: یعنی مشقت و سختی. سوم: مرحله ضیق: یعنی سختی، تنگی. تفاوت مرحله دوم و سوم ، این است که ضیق، مشقت و دشواری‌اش بیشتر است ولی هنوز به مرحله خارج از طاقت نرسیده است. چهارم: تکلیف مالایطاق یعنی خارج از طاقت و توان. بی‌تردید این مرحله ، محل بحث نیست ؛ زیرا اگر تکلیفی عرفا و عقلا، خارج از طاقت باشد، قبیح است که شارع مقدس ، چنین تکلیفی را تحمیل نماید. بنابراین، مرحله چهارم از محل بحث خارج است. اما مرحله دوم و سوم، محل بحث است. مشهور فقها، این قاعده را پذیرفته‌اند و می‌گویند قاعده نفی عسر و حرج مثل قاعده لاضرر، احکامی را که ذاتاً ضرری نیستند و به‌حسب عوارض، ضرری و حرجی شده‌اند، رفع می‌کند؛ خواه آن حکم تکلیفی باشد یا وضعی.

لازم به ذکر است که اندیشمندان فقه(نراقی،۱۴۱۷) رابطه میان عسر و حرج را عموم و خصوص مطلق دانسته و معتقدند که عسر اعم و مطلق از حرج و ضیق است زیرا هر ضیقی عسر است ولی عکس آنکه هرعسری ضیق باشد، صادق نیست.

---

[۲]. آیه ۶ سوره مبارکه مائده: «... مَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکم منْ حَرَج...». خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد؛ آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره: «یُرِیدُ اللَّهُ بکم الْیُسْرَ وَ لَا یُرِیدُ بِکم الْعُسْرَ...». خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد. همچنین در ذیل آیات دیگر قرآن نیز به این مسئله پرداخته‌شده است: (حج ۷۸) (انعام ۱۵۳) (اعراف ۴۲) (مؤمنون ۶۲)

### ۳. مدارک قاعده نفی عسر وحرج

فقیهان برای بیان مدارک و مستندات قاعده نفی عسر و حرج به آیاتی از قرآن کریم و روایات استناد کرده اند که به برخی از آنها اختصار اشاره می شود.

### ۱,۳. قرآن کریم

الف) آیه ۷۸ سوره حج : «ماجعل علیکم فی الدین من حرج». خداوند در دین تنگی و مشقت قرار نداده است. با توجه به اینکه کلمه حرج اسم نکره است و در سیاق نفی واردشده است، از آن استفاده عموم می‌کنیم یعنی در تمامی امور، خداوند مشقت و تنگی نخواسته است.

ب: آیه ۶ سوره مائده: «مایرید الله لیجعل علیکم من حرج». ممکن است اشکال شود که مراد از نفی حرج در آیه، ترخیص تیمم است برای کسی که بیمار است یا برای فردی که به آب دسترسی ندارد چون قبل از این آیه آمده است: «ان کنتم مرضی او علی سفر...فلم تجدوا ماءا فتیمموا صعیدا طیبا» محل ورود آیه – با توجه به قبلش- رخصت و اباحه تیمم است. در پاسخ باید گفت که مورد قرینه بر تخصیص نیست و شارع در مقام تطبیق کبری بر یکی از مصادیق و صغریاتش است.

### ۲,۳. سنت

روایات فراوانی بر نفی عسر و حرج دلالت می‌کند که از تواتر معنوی برخوردارند. ما برای نمونه و جهت رعایت اختصار، فقط یک حدیث را مطرح می‌کنیم. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «مابعثت بالرهبانیهٔ انما بعثت بالحنیفیهٔ السهلهٔ السمحهٔ» (حرعاملی،۱۴۰۹،مجلسی،۱۴۱۰).من به رهبانیت مبعوث نشدم، منحصراً مبعوث شدم به دینی که حنیف، سهل و آسان است. بر اساس این حدیث شریف هرگونه عسر و حرجی منفی است.

### ۳. مفاد قاعده نفی عسر و حرج

قاعده نفی حرج از قواعد معروف اسلامی که در تمامی ابواب فقه اعم از عبادات و معاملات، جاری می‌گردد(موسوی بجنوردی،۱۳۷۸). بر اساس قاعده نفی عسر و حرج هرگاه مشقتی تحمل‌ناپذیر از اجرای احکام نخستین و نوعی به وجود آید، اجرای حکم نفی عسر و حرج، آن حکم را تعدیل می‌کند. در تأیید قاعده گفته‌شده است که به‌حکم عقل تکلیف باید متناسب با توان شخص باشد نه خارج از طاقت او؛ زیرا سختگیری‌های بیهوده واکنشی نامطلوب به وجود آورده و انگیزه مخالفت با قانون و مقاومت در برابر آن را تقویت می‌کند و اشخاص را به گناه و

عصیان وادار می‌کند؛ بنابراین وظیفه هدایتی قانون‌گذار ایجاب می‌کند که نه‌تنها امری بیرون از توان و تحمل را در زمره احکام نیاورد بلکه در موارد وجود عسر و حرج نیز سختگیری ننماید(حسینی مراغی،۱۴۱۷).

در قاعده لا ضرر، شیخ انصاری عقیده داشت مفاد قاعده، نفی سبب است: «با لسان نفی مسبب» اما آخوند خراسانی عقیده داشت: «مراد نفی حکم است با لسان نفی موضوع». ثمره نزاع فقط در این است که اگر بین قاعده احتیاط و قاعده نفی عسر و حرج، تعارض بیفتد، یا بین قاعده احتیاط و قاعده لا ضرر، تعارض باشد، طبق نظر شیخ انصاری، احتیاط لازم نیست، اما طبق نظر آخوند خراسانی، احتیاط از بین نمی‌رود و احتیاط بر قاعد عسر و حرج مقدم می‌شود(آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، انصاری، بی‌تا، اسکندریان، ۱۳۹۳). درهرحال، قاعده نفی عسر و حرج از قواعدی است که فقیهان در موارد بسیاری به آن استناد کرده و بر اساس آن به نفی تکالیفی که مستلزم عسر و حرج برای مکلف است، حکم صادر کرده‌اند.در حقوق بین‌الملل و نیز حقوق داخلی بسیاری از کشورها نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه تغییر اوضاع‌واحوال» یا «نظریه حوادث پیش‌بینی‌نشده» مطرح است که شباهت زیادی با قاعده نفی عسر و حرج در فقه و حقوق اسلامی دارد(محقق داماد،۱۳۸۵).

### ۴. معیارهای تشخیص عسر و حرج

به نظر می رسد مصداق و ضابطه‌ای تعیین عسر و حرج، عرف است که مطابق آن، هر کاری که موجب مضیقه و تنگنا باشد، حرج و دشواری نیز تلقی می‌شود(محقق داماد،۱۳۸۰). مرزبندی و تعیین مصادیق عسر و حرج به‌نحوی‌که موارد معین‌شده را در شمول قاعده عسر و حرج قرار دهد و سایر موارد که از دایره شمول خارج هستند به‌عنوان یک تعریف که جامع‌ومانع از مصادیق باشد کاری دشوار و تخصصی است.

در نگاه ترکیبی فقه و حقوق در این موضوع، ارجاع به عرف زمان شده است تا بتوان عدالت و قانون را به منصه ظهور و بروز نزدیک‌تر ساخت. این سئوال مهم همچنان در مباحث عسر و حرج مطرح است که مرجع صلاحیت‌دار تشخیص عسر و حرج کیست؟ از سخنان بسیاری از فقیهان و حقوقدانان اتفاق‌نظر بر این است که مرجع صلاحیت‌دار تعیین قلمروی مفاهیم قران کریم و سنت، عرف می‌باشد زیرا که عرف با توجه به زمان و مکان مختلف همراه است و می‌تواند معیار مناسب و معقولی برای تعیین مصادیق عسر و حرج باشد و از سوی در یک‌زمان و مکان خاص مصداق عسر و حرج باشد و همان مصداق در زمان و مکان دیگری نشانگر مفهوم عسر و حرج نباشد.

توجه به زمان و مقتضیات هر عصر در تعیین مصادیق عسر و حرج و سایر قواعد فقهی امری است که مورد اتفاق و اجماع فقها است. درنتیجه در شرایط کنونی تعیین مصادیق عسر و حرج با توجه به اوضاع‌واحوال یک نیاز حیاتی است و بدین‌جهت بسنده کردن به کلیات و قالب‌های کلی بدون در نظر گرفتن مصادیق قانونی و پزشکی و مبتلابه آن امری موجه و متکی به مبانی فقهی نمی‌باشد.

در عصر حاضر با پیشرفت علم و ابعاد پزشکی در زندگی مدرن باید به این مسئله مهم، توجه داشت که تشخیص عسر و حرج و تطبیق آن با قوانین مربوط نیازمند گروه خاص و آموزش‌دیده می‌باشد. از دیگر نکات که غیرقابل‌چشم‌پوشی است، مسئله آزمون‌وخطا با توجه به زمان،

مکان، آسیب‌های جامعه و...می‌باشد. صلاحیت پاسخ به این موارد با چه کسی می‌باشد، گروه خاص، عرف عام، عرف‌های خاص غیرپزشکی، والدین و ...برای تنظیم یک چارچوب مناسب و کم‌ترین خطا و عسر و حرج، می‌بایست تشخیص این مسائل به گروه خاص داده شود تا با بررسی شرایط و احوال مصادیق با در نظر گرفتن همه جوانب پاسخ صریح و روشنی را ارائه دهند. مصادیق حرجی که در بحث از قاعده نفی حرج از آن سخن گفته می شود، به‌طورکلی بر پایه لا حرج و لا ضرر می‌باشد لذا هر مصداق و عنوانی از اعمال انسان که در عالم متصور می‌شود که باعث ضرر و مشقت و دشواری برای انسان باشد، ازنظر شارع مقدس مردود و مرفوع می‌باشد.

قانونگذار مدنی نیز در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی با توجه به مبانی فقهی قاعده نفی عسر و حرج، مصادیقی از آن را مشخص کرده و مقرر داشته است: «در مورد زیر زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نمایید درصورتی‌که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسر و حرج است می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج، زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن به اذن حاکم شرع، طلاق داده می‌شود.

الف) در موردی که شوهر سایر حقوق واجب زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

ب) سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگی زن با او غیرقابل‌تحمل باشد.

ج) درصورتی‌که به‌واسطه امراض مسری صعب‌العلاج دوام زندگی زناشویی برای زن موجب مخاطره باشد».

آنچه به نظر می رسد ارائه معیاری دوگانه برای تشخیص عسر و حرج است به این معنی که بر اساس معیار ارائه شده، صدق عرفی یا احراز تحقق عسر و حرج در مورد یک شخص معین برای تحقق آن کافی است و بدیهی است که عرف هرزمانی بازمان دیگر متفاوت است.

**۵. عسر و حرج و سقط درمانی**

یکی از حقوق مسلمی که قانون‌گذار به‌موجب قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ برای زنان درنظر گرفته، حق سقط درمانی است .به‌موجب این قانون زن می‌تواند با حصول شرایط مقرر، اقدام به سقط درمانی کند. فلسفه ایجاد حق سقط درمانی بر ای زن، برای حمایت از جان او و دفع عسر و حرج روانی، اقتصادی و غیره می‌باشد.

سقط جنین طبی یا درمانی (قانونی)، حالتی است که ادامه حاملگی برای زن خطرناک و جان مادر به علت بیماری و ... درخطرباشدونیزوضعیتی است که قطع دوران حاملگی برای جلوگیری از عوارض جسمانی یا روانی زن حتی به عنوان یک ضرورت بر ای نجات زندگی مادر مطرح شود که در اینجا مقنن تحت شرایط خاصی سقط جنین را مجازمی‌داند(حبیب زاده و همکاران،۱۳۸۵).

ممکن است مادر درنتیجه احساس یا اعتقاد به آزمون الهی وقضا و قدر، از سقط درمانی امتناع کند .در این صورت، باید بررسی کرد که آیا باز هم می‌توان به جامع بودن ماده‌واحده سقط درمانی اعتقاد داشت؟ درزمان تصویب و اجرای حقوق فردی اشخاص باید تأثیر آن بر خانواده در

همه‌ی جوانب مورد توجه قرار گیرد .تولد فرزندی معلول علاوه بر تحمیل فشارهای روانی و اجتماعی بر خانواده و هریک اززوجین، هزینه‌های اقتصادی (عسر و حرج اقتصادی) گزافی بر پدر، به‌عنوان ولی طفل، حمل می‌کند .فرض سنگین‌تر اینکه حفظ جنین برای مادر خطر جانی به همراه داشته باشد و بازهم وی با تصمیمات احساسی و عاطفی حاضر به انجام سقط نشود، تولد فرزند بدون مادریا حتی دردامن مادری بیمار مساوی است با از بین رفتن آرامش و امنیت خاطرپدر، فرزند و کل اعضای خانواده .در این فرض آیا می‌توان ماده واحده را تفسیر بر وجود حق انحصاری مادربر سقط درمانی کرد؟(قوچانی،۱۳۹۲)

ماده واحده سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادراست و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبلاً حلول روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفان از اجرای مفاد این قانون به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.»

با در نظر داشت سایر پارامترها و علل متأثر در تشخیص این حرج به تحلیل و بررسی مصادیق عینی و امروزی می‌پردازیم.

در رابطه با بررسی این موضوع اولین اهم، مرجع تشخیص می‌باشد؟ آیا تنها نظریات پزشکی سه متخصص کفایت و پوشش کامل این مسئله را دارد، متخصصین و کارشناسان موردنظر قانون تنها توانایی اظهارنظر در مورد سلامت جسمانی جنین را دارند اما در مورد مسائل مالی که موجب عسر اقتصادی می‌باشد و از سویی با توجه به شرایط اجتماعی افراد در جامعه این عسر و حرج مالی تعریف متفاوتی دارد، به‌عنوان نمونه برای خانواده‌ای با سطح رفاه بالا برای انتخاب تولد اولین فرزندشان با مشکل آنومالی یا شکاف سقف دهان یا مشکلات کروموزومی ۷۰ درصد، در مقایسه با خانواده‌ای که وضعیت اقتصادی مناسبی برای تولد پنجمین فرزندشان که دارای همان مشکل می‌باشد، یکسان نمی‌باشد.

بررسی و نظر دادن در مورد عسر و حرج روانی در حیطه تخصص پزشک نمی‌باشد، در اینجا با در نظر داشتن به تولد یا سقط یک جنین سالم یا عقب‌افتاده و تأثیر آن بر روی خود فرزند، اطرافیان و والدین متفاوت می‌باشد و خصوصاً حالات روانی و احساسی که برای والدین ایجاد می‌شود، تأثیر در تصمیم دارد چه‌بسا دامنه مسائل روانی و ذهنی به‌صورت درازمدت ادامه یابد، شرایط روانی و بازخوردهای اجتماعی برای فرزندی که از تجاوز زنای به عنف متولدشده است حساس و ظریف می‌باشد که در این مورد حرج تنها محدود به دوران بارداری نمی‌باشد و بعد از دوران حمل را شامل می‌شود که در مورد این مسائل قانون سکوت کرده است. لذا قبل از سقط مشورت با روانشناسان، مشاوران حمایت از خانواده و...توصیه می‌شود.

در رابطه با حرج به دوران بعد از حمل، مادر برای نگهداری فرزندی که مشکوک به نقص هفتاد درصدی کروموزومی و ژنتیکی متولدشده است، سبب افزایش دوران نگه‌داری تا سن بلوغ می‌شود و علاوه بر هزینه‌های مالی سنگین باعث حرج مادر نیز می‌باشد.

**۶. نتیجه**

عسر و حرج مفهومی عام است که برای تعریف دقیق‌تر و روشن‌تر آن باید به عرف متخصصان مراجعه نمود. به نظر می رسد که برای تشخیص عسر و حرج باید معیاری دوگانه را در نظر داشت بدین صورت که عرف برای تشخیص عسر و حرج، اغلب یک انسان متعارف را معیار قرار می‌دهد اما در موارد خاص و با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع واحوال یک شخص معین، به معیار شخصی نیز روی می‌آورد. نکته مهمی که باید در تشخیص عس رو حرج به آن توجه داشت، مراجعه و استفاده از دانش و تجربه متخصصان هر موضوع است تا بتوان چارچوب منظم و مناسبی را برای تشخیص عسر و حرج در هر مورد به دست آورد. یکی از نمونه های قابل توجه در این زمینه، ماده واحده ای است که در رابطه با سقط درمانی تنها به بعد جسمانی و فیزیکی جنین و مادر اشاره کرده است اما در سایر موارد مانند جنبه‌های روانی، اجتماعی، اقتصادی و غیره قانون سکوت کرده و تصمیم را بر عهده عرف گروه خاص قرار داده است. بدیهی است که عرف گروه خاص می‌تواند با همکاری و تبادل نظر با سایر کارشناسان و متخصصانی که در سایر ابعاد زندگی انسان و جامعه انسانی پژوهش می‌نمایند به نتایج دقیقی در زمینه تعیین معیارهای تشخیص عسر و حرج دست یابد.

**فهرست منابع**


۱. ابن عباس. (۱۴۱۳ ه.ق) .*غریب القرآن فی شعر العرب*. بیروت: مؤسسهٔ الکتب الثقافیهٔ لبنان.

۲. ابوالقاسم، گرجی. (۱۳۸۵) . *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. افشار قوچانی، بررسی امکان تحمیل سقط درمانی بر مادر از جانب ولی جنین، تهران: *فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، شماره ۵۸، ۱۳۹۲

۴. آقا ضیاء الدین، عراقی. (۱۴۱۸ق). *قاعدهٔ لا ضرر*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۵. جعفر، سبحانی. (۱۴۳۷ ق).*الوسیط فی اصول الفقه*. قم: موسسه الامام الصادق.

۶. حبیب زاده؛ توحیدی فرد؛ بازیار، بررسی سقط جنین از دیدگاه حقوق بشر و حقوق موضوعه، تهران: *مجله دانشکده علوم انسانی دانشکده علوم دانشگاه سمنان*، شماره ۱، ۱۳۸۵

۷. حسن، اسکندریان. (۱۳۹۳). *قواعد فقه بخش مدنی*.تهران: نشر میزان.

۸. حسین،محمدی نژاد طولارود.(۱۳۹۴). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات اخوان.

۹. سید مصطفی، محقق داماد.(۱۳۹۱) . *فقه پزشکی*. تهران: انتشارات حقوقی.

۱۰. سید حسن ،موسوی بجنوردی. (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیهٔ*. قم: نشر الهادی.

۱۱. سید علی حسینی، سیستانی. (۱۴۱۴ق). *قاعدهٔ لا ضرر و لا ضرار*.قم: دفتر آیهٔ الله سیستانی.

۱۲. سید محمدجعفر، مروج جزائری. (۱۴۱۵ق) .*منتهی الدرایهٔ*. قم: مؤسسهٔ دار الکتاب.

۱۳. سید مرتضی، فیروزآبادی. (۱۴۰۰ق).*عنایهٔ الأصول*.قم: کتابفروشی فیروزآبادی.

۱۴. سید مصطفی، محقق داماد. (۱۳۸۵) .قواعد فقه. تهران:سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت).

۱۵. عمید. (۱۳۷۴). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۶. فتح اللّه بن محمدجواد (شیخ الشریعهٔ)، اصفهانی. (۱۴۱۰ق). *قاعدهٔ لا ضرر*.قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۷. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی.(۱۴۱۰ق) . *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسهٔ الطبع و النشر.

۱۸. محمد بن حسن، حر عاملی. (۱۴۰۹ق).*وسائل الشیعهٔ*. قم: مؤسسهٔ آل البیت (ع).

۱۹. محمد بن یعقوب، فیروزآبادی. (۱۳۵۷ ق). *القاموس المحیط*. قاهره: المکتبه التجاریه الکبری.

۲۰. محمد رضا، مظفر. (۱۳۷۰). *اصول الفقه*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۱. محمد علی،معیر محمدی. (۱۳۹۳).*حق طلاق زوجه با توجه به طلاق واجب*. تهران :نشر وانیا .

۲۲. محمد مهدی، فولادوند (۱۴۱۸ ق) . *ترجمه قرآن (فولادوند)*. ، تهران:دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۲۳. محمدکاظم، آخوند خراسانی.( ۱۴۰۹ق). *کفایهٔ الأصول*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

۲۴. مرتضی، انصاری. (۱۴۱۵ق).*المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.

۲۵. موسی بن محمد نجفی، خوانساری. (۱۳۷۳ق) .*رسالهٔ فی قاعدهٔ نفی الضرر*. تهران: المکتبهٔ المحمدیهٔ.

۲۶. مولی احمد بن محمد مهدی، نراقی. (۱۴۱۷ق). *عوائد الأیام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۷. میر عبد الفتاح، حسینی مراغی.(۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیهٔ*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۸. میرزا علی، مشکینی اردبیلی. (بی‌تا). *مصطلحات الفقه*، بی‌جا: بی‌نا.

۲۹. میرزا محمدحسن بن جعفر،آشتیانی. (۱۴۰۳ق) *بحر الفوائد*، ۲ *جلد*، قم: انتشارات کتابخانه آیهٔ الله مرعشی نجفی.

۳۰. ناصر، کاتوزیان. (۱۳۷۱).*حقوق مدنی خانواده جلد اول*. تهران: انتشارات بهمن برنا.